من ایرانی هستم

هویت‌های سرگردان

قمر تکاوران

● با عطیه تماس گرفتم کــه او را ببینم و درباره شناسنامه نداشتن‌شــان صحبت کنیم. گفت فقط در خانه‌ام می‌توانم ببینمت. من هم بدون پرسش قبول کــردم. آدرس را گرفتم و راهــی دولت‌آباد شدم. برایم هم فال بود و هم تماشا. می‌خواستم دولت‌آباد را هم ببینــم. درِ خانه را که به رویم باز کرد، شوکه شــدم. کمر، گردن و دستش آتل‌بندی بود و صورت و دست‌هایش پر از زخم. تازه متوجه شــدم چرا گفته بود فقــط در خانــه‌ام می‌توانم ببینمــت. یک مــاه پیش تصــادف کــرده بودند. محمدجواد که از شــیطنت‌هایش دســت کشید و از پشــت مبل بیــرون آمد، دیدم کــه پای او هم شکسته است و آن را گچ گرفته‌اند. می‌خواستند به مشهد بروند که در شاهرود تصادف کردند. سجاد، همســر عطیه، گواهینامه نداشــت؛ چراکه پس از رفت‌وآمدهای بسیار به خاطر سخت‌گیری‌ها برای گواهینامه اتباع، بی‌خیال گرفتن آن شده بود. چون اتباع بود، پرونده را هم به تهران منتقل نمی‌کردند و او بایــد هر هفته برای پیگیری پرونده تصادف به شــاهرود می‌رفت. عطیه می‌گفت چون ماشــین به نام من اســت، با این حالم باید پیگیر این کارها هم باشــم. عطیه خودش فرزند مــادر ایرانی بود و پدر عراقی داشــت. او در ۱۸سالگی برای گرفتن شناســنامه اقدام کــرده بــود و در نهایت پس از سه ســال موفق به گرفتن شناسنامه شده بود؛ اما حاضر نشــده بودند نام خانوادگــی پدر یا مادرش را برای او درج کنند و عطیه مجبور شــده بود نام خانوادگی جدیدی برای خودش انتخاب کند. حالا نمی‌خواست آن ۱۸ سال برای پسرش تکرار شود. برای همین هم حتی در این وضعیت می‌خواست حــرف بزند؛ شــاید راهی باشــد برای حل‌شــدن مشکل‌شان. عطیه دیپلم گرفته بود و می‌خواست کنکور بدهد و وارد دانشــگاه شود، داشت سخت درس می‌خواند؛ اما آن سال اعلام کردند که اتباع خارجــی نمی‌توانند به دانشــگاه بروند. عطیه به حوزه رفته بود؛ چون نمی‌دانســت شناسنامه چه زمانی از راه می‌رسد و سه سال بعد وقتی در حال تمام‌کردن درس حوزه بود، شناســنامه رسید. پدر عطیه هم مادر ایرانی داشت. مادرشوهر عطیه که گوشــه اتاق نشسته بود، گفت: مادر من هم ایرانی اســت؛ اما تا وقتــی زنده بود، هرچــه تلاش کرد، نتوانست برای ما شناسنامه بگیرد. ماجرا مثل یک کلاف تودرتو بود. این شناسنامه‌ای که نسل‌به‌نسل نتوانســته بودند بگیرند، باعث شده بود که عراقی خوانده شــوند. محمدجواد وســط صحبت‌های عطیه می‌پرید و چیزهایی به عربی تعریف می‌کرد، وقتی می‌گفتم من عربی بلد نیستم، شروع می‌کرد به فارســی تکرارکردن. محمدجــواد گفت: اینجا یک قانون داریم. قانون خــاص. انگار دور از واقع هم نبود، بچه‌ها داشــتند قربانی قانون می‌شدند. او هیچ مدرکی نداشــت؛ چراکــه ازدواج عطیه و سجاد در عراق ثبت نشــده بود. باید تا قبل از سن مدرســه برای محمدجواد مدرکی جور می‌کردند. به عراق رفته بودند که ازدواج‌شــان را ثبت کنند. بخشی از مدارک کم بود و باید به ایران برمی‌گشتند و تکمیلش می‌کردند؛ اما حالا دیگر محمدجواد را بدون مدرک سر مرز راه نمی‌دادند. می‌گفتند شما زن و شــوهر می‌توانید به ایران بروید؛ اما بچه‌تان چون مدرکی ندارد، بایــد همین‌جا بماند. یک روز سر مرز بلاتکلیف مانده بودند و محمدجواد در تب می‌سوخت تا در نهایت دل مأموری به رحم بیاید و محمدجواد را به ایران راه دهد.

برابری دیه زن و مرد یا رفع ابهام از قانون؟

لیلا علی‌کرمی، وکیل پایه یک دادگستری: اخیرا هیئت عمومی دیوان عالی کشــور رأی وحدت رویه‌ای در رابطه بــا «پرداخت معادل تفاوت دیه زنان تا ســقف دیه مردان» صادر کرده اســت. برخی این رأی را حکمی مبنی بر برابری دیه زن و مرد قلمداد کرده‌اند. اما واقعیت امر چیز دیگری اســت. دیوان عالی کشــور با صدور ایــن رأی صرفا از مــاده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ رفع ابهام کرده است.

به صراحت ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی «دیه قتل زن، نصف دیه مرد اســت» و مطابق ماده ۵۶۰ «دیه زن و مــرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد، یکســان اســت و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد». براســاس تبصره ذیل مــاده ۵۵۱ قانون مجازات اســلامی مصوب سال ۱۳۹۲ «در کلیه جناياتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا ســقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارات‌های بدنی پرداخت می‌شود». از این رو بنا بر تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ســال ۱۳۹۲ در مورد جنایات اعمال‌شــده روی یک زن، «صندوق تأمین خســارات‌های بدنــی» با حکم دادگاه، موظف بــه پرداخت معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد شده است.

ماجــرای صــدور رأی وحدت رویه اخیر از ســوی دیوان عالی کشــور برمی‌گردد بــه آرای متناقض در مــورد پرونده‌های موضــوع تبصره ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اســلامی که از چندین شــعبه دادگاه تجدیدنظر استان‌های مختلف صادر شده است. با درک و تفسیر متفاوت از این تبصره، برخــی از دادگاه‌ها، پرداخت تفاوت دیه زن و مرد از ســوی صندوق تأمین خسارات‌های بدنی را منحصر به جنایت علیه نفس و برخی دیگر پرداخت آن را شامل مطلق جنایت علیه نفس و عضو دانسته‌اند.

جهت رفع تعارض، هیئت عمومی دیوان عالی کشــور تشــکیل جلسه داده و در ایــن خصــوص رأی وحدت رویه صادر کــرد. در این رأی، هیئت عمومی دیوان عالی کشور تأکید کرد که در کلیه جنایات علیه زنان، اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوط به آنان، باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود و این موضوع اختصاص به «دیه نفس» ندارد.

اما ســؤال اساسی که باید به آن پاسخ داد: در جایی که هنوز قانونا دیه زن و مرد متفاوت اســت، آیا اصولا پرداخت مابه‌التفاوت دیه از بیت‌المال راهکاری مناســب بــرای پرداختن به این نابرابری حقوقی اســت؟ برخی معتقدند که ایــن امر با توجه به فراهم‌نبودن امکان اصلاح قانون به طور ریشــه‌ای، اتفاق خوبی اســت و لااقل بار مالی را از دوش خانواده قربانی

برداشته و اجرای عدالت را میسر می‌کند. اما باید اذعان کرد که این واقعه امر جدیدی نیســت و قبلا در پرونده‌های متعددی شاهد بوده‌ایم که تا چه حد نابرابری دیــه زن و مرد و چگونگی پرداخت تفاضل دیه مسئله‌ســاز شــده و مســیر اجرای عدالت را ســخت کرده و در آخر امــر هم به‌واقع نمی‌توان مدعی اجرای عدالت به مفهوم واقعی شد. پرونده لیلا که لقب طولانی‌تریــن پرونده جنایی ایران را به خــود اختصاص داده، در این زمینه حائز اهمیت اســت. لیلا دختر ۱۱ساله‌ای بود که پس از آزار و اذیت توسط سه مرد به قتل رسید. ماجرا از این قرار بود که در یک روز بهاری اردیبهشت ماه ســال ۱۳۷۴ لیلا که از منزل خاله‌اش در روســتایی در کرمانشاه بیرون رفته بود، توســط چند مرد مــورد آزار قرار گرفت و به قتل رســید. پس از آن حادثه، ســه نفر به نام‌های محمدصفر، هادی و حســن به اتهام تجاوز به‌عنف و قتل لیلا دســتگیر و محاکمه شدند. در پنجم تیرماه همان سال، مجرم ردیف اول به ســلول انفرادی منتقل شد و چند ساعت بعد در آنجا خودکشــی کرد. روز هفتم تیر ســال ۷۴ موضوع در دادگاه رسیدگی شد و محمدصفر و حســن به جرم مشــارکت در جنایت به مرگ محکوم شدند. همچنین مقرر می‌شــود خانواده لیلا تفاضل دیه را بپردازد. محمدصفر و حســن در آستانه اعدام بودند که پرونده مورد ایراد قرار می‌گیرد و با توجه به اعتراف هادی پیش از خودکشــی حکم صادره نقض می‌شــود. پرونده دوباره برای رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی تهران فرستاده می‌شود و مجرمــان بار دیگر به مرگ محکوم می‌شــوند اما حکم باز هم در دیوان عالی کشــور نقض می‌شــود. مدارک این بار به شعبه دوم فرستاده و برای متهمــان حکم برائت صادر می‌شــود که با اعتراض اولیای دم به شــعبه پنجم دادگاه عمومی تهران فرســتاده می‌شــود. با نقــض حکم برائت از سوی دیوان عالی کشور رسیدگی به این پرونده در دستور کار رئیس شعبه ۱۱۵۶ دادگاه عمومی وقت قرار می‌گیرد. دادگاه پرونده را از موردهای لوث تشــخیص داده و اعلام می‌کند که باید مراسم قسامه اجرا شود. ۵۰ نفر از نزدیکان لیلا در دادگاه حاضر می‌شــوند و قسم یاد می‌کنند که محمدصفر و حسن در این جنایت دست داشته‌اند: به این ترتیب آنان بار دیگر به مرگ محکوم می‌شــوند. این در حالی بود که حســن فراری بوده و محمدصفر همچنان در بازداشت به سر می‌برد. ۱۷ سال از قتل لیلا می‌گذشت و هنوز تلاش پلیس برای دســتگیری مجرم ردیــف دوم نتیجه نداده و حکم اجرا نمی‌شــد. به همین خاطر پدر لیلا، از رئیس قوه قضائیه درخواست می‌کند اجازه ندهد خون دخترش پایمال شــود. در چنین شرایطی بود که آیت‌الله هاشمی‌شــاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه دستور پرداخت ۲۲۰ میلیون ریال تفاضل دیه را از بیت‌المال صادر کرد و محمدصفر، بامداد چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۸۶ در زندان به دار آویخته شد.

پرونده لیلا فتحی یکی از پرونده‌هایی بود که توجه عموم را به مســئله نابرابری دیــه زن و مرد و قانون قصاص جلب کرد. در این پرونده شــاهد بودیم که مســئله نابرابری دیه و قانون قصاص چه بار ســنگینی بر افراد درگیر در ایــن پرونده و سیســتم قضائی تحمیل کرد. ســال‌ها بعد یعنی در ســال ۱۳۹۲ بود که پرداخت تفاضل دیه زن و مــرد در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شد. اما از آنجایی که اجرای این قانون در عمل ابهاماتی به همراه داشــت، در نهایت هیئت عمومی دیوان عالی کشور جهت رفع ابهامــات، رأی وحدت رویــه‌ای در رابطه با «پرداخــت معادل تفاوت دیه زنان تا ســقف دیه مردان» صادر کرد. اگر چــه رأی وحدت رویه صادره از هیئت عمومی دیوان عالی کشور در حکم قانون بوده و برای تمام محاکم لازم‌الاجراست، این رأی به هیچ وجه به معنی برابری دیه زن و مرد نیست. مطابــق قانون همچنان دیه قتل زن نصف دیه مرد اســت و دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از یک‌سوم دیه کامل مرد، یکسان است و چنانچه یک‌ســوم یا بیشتر شــود، دیه زن نصف دیه مرد می‌شــود. به نظر می‌رسد پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن و مرد از صندوق جبران خســارت بدنی و در عمل از بیت‌المال راهکار درستی نیست. از این‌رو شایسته است قانون‌گذار درصدد اصلاح قانون دیه برآید تا دیه زن و مرد قانونا برابر شود.

شورایاری‌های محلات «نهادی بنیادین در مدیریت شهری با تکیه بر پتانسیل‌های بانوان و جوانان

فائزه توکلی . مورخ و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بررسی انواع نظام‌های مدیریت شهری و روش‌های انتخاب شــهردار و شورای شــهر در شهرهای مختلف کشورها مبین تنوع مدل‌های مدیریت شهری در هر یک از کشورهاســت. نحوه انتخاب شهردار و عوامل دیگری چون مدل مدیریت شــهری، منشور شهری، نوع نظام و قوانین ملی و منطقه‌ای مرتبط با حکومت‌های محلی، اثر تعیین‌کننــده‌ای در وضعیت حکومت‌های محلی و قدرت نهادهای مدیریت شهری دارد. براساس اصل اول قانون اساســی، حکومت جمهوری اسلامی و بر اساس اصل ششم قانون، امور کشور باید به اتکا بر آرای عمومی اعضای شــوراها و نظایر اینها، از راه همه‌پرســی اداره شود. بر طبق اصل هفتم، شوراها یعنی مجلس شورای اســلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روســتا و نظایــر آن از ارکان تصمیم‌گیــری و اداره امور کشورند.از آنجا که مشارکت مدنی در ایران با شکل‌گیری شوراهای اســلامی نمود عینی‌تری پیدا کرد و به‌تدریج بــه عنوان یک حق در جامعه مطرح شــد، تشــکل‌ها، انجمن‌های محلی و شــورایاری‌ها حلقه ارتباطی میان مدیریت محلی و شهروندان هستند که در واقع به تمرین مشارکت مدنی در سطح محلی می‌پردازند و زمینه لازم جهت توانمندســازی و ظرفیت‌سازی ســاکنان در حل مسائل و چالش‌ها در سطح محلی را در نظام مدیریت شــهری فراهم می‌کنند.اعطای اختیار تصمیم‌گیری در امور محلی به شهروندان، یکی از چالش‌های همیشگی انواع نظام‌های سیاســی حقوقی بوده است. توسل به سبک اداری عدم تمرکز که موجب تقویت روحیه ابتکار و بهبود مشــارکت عموم شهروندان در اداره امور کشور می‌شود، همواره با مشکلات و مسائل مختلفی مواجه بوده اســت. شــوراها و انجمن‌های محلــی، مهم‌ترین ابزارهــای اعمال ســبک اداری مذکور تلقی می‌شــوند که نحوه تشــکیل، شــیوه توزیــع اختیــارات و وظایف میــان آنها و مجالــس قانون‌گذاری ملــی و چگونگی ارتباط‌شــان با مقامات و دستگاه‌های اجرائی، از جمله ســؤالات بنیادین مطرح درخصوص این نهادهاســت. بــه طور کلی نظام مدیریت شــهری در یک تحول کلی از نظام متمرکز و ســاختار از بالا به پایین به سوی نظام مشارکتی و از پایین به بالا حرکت کرده و به‌تبع آن نقش لایه‌های خرد اجتماعی و نهادهای محلی در این سطح بیش از پیش آشــکار شده است.البته امروزه ثابت شده که این نوع برنامه‌ریزی کارآمدی مناســب دارد، زیرا این برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، با همکاری و مشارکت مردم که ذی‌نفعان اصلی برنامه‌ریزی هستند انجام می‌شود. به همین منظور، امروزه برای حل مشکلات شهری، اتخاذ سیاست‌های برنامه‌ریزی مشــارکتی و مردمی ضروری می‌نمایــد. از این رو مدیران شــهری که وظیفه و هدف اصلی آنها ساماندهی مشــکلات و ایجاد تعادل است، بیش از پیش از شیوه مشارکت مردمی در حل مشکلات و ارتقای شــاخص‌های مختلف زندگی شهری استفاده می‌کنند. مشــارکت شــهروندان در امور شهری، باعث افزایش درک و آگاهی آنها از مســائل می‌شود. از طرف دیگر بدیهی است مردمانی که سالیان سال در یک شهر یا منطقه زندگی کرده‌اند، بهتر از هر کســی نیازهای آن مکان را شــناخته و تشــخیص می‌دهند.شورایاری‌های محلات همچنین حلقه ارتباطی میان مدیریت شهری و شهروندان هستند که در واقع به تمرین مشارکت مدنی در ســطح محلی می‌پردازند. در واقع هدف از تشــکیل شــورایاری‌ها، تشکل‌ها و ســازمان‌های اجتماع‌محور و سایر نهادهای مرتبط، شــکل‌گیری شبکه گسترده‌ای از روابــط اجتماعی و فرهنگی، ایجــاد همدلی و اعتماد، ایجاد حس تعلق شــهروندی، ایجاد فضای با مشارکت فعال و در نهایت تشــکیل و افزایش سرمایه اجتماعی اســت. به طور کلــی شــورایاری به عنــوان یک مدل مشارکتی در راســتای جلب مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امــور شــهر مطــرح شــده اســت. چگونگی انتخاب اعضای شــورایاری‌ها مزایا و مشکلات متفاوتی را در تجارب چند دوره گذشــته به دنبال داشــته است. چنانچه در صورتی که در مراحل اولیه تشکیل و تعیین اعضای شــورایاری، به چگونگی تعیین اعضا و ساختار درونــی محلات و بافت فرهنگی - اجتماعی هر شــهر توجه کافی نشــود، این طــرح کارایــی لازم را نخواهد داشــت. الگوهای مختلف در زمینه چگونگی انتخابات یا انتصابات در مدیریت شــهری در دوره‌های اخیر مورد بررســی قرار گرفته و مدل شــورایاری، بــه عنوان مدل مدیریتی غیرمتمرکز که در سطح برخی شهرهای ایران اجرا شــده می‌تواند مــورد نظر قرار گیــرد؛ چنان‌که در شــهرهای یزد و مشهد با تحقیقات میدانی پژوهشگران به این نتیجه رســیده‌اند که: سرای محله کانون متمرکز شــورایاری‌ها در ســطح شهر اســت؛ به‌عنوان مثال در تهــران پایتخت به ۲۰ منطقه و ۳۴۱ محله ۱۰هزارنفری تقســیم می‌شــود. هیئت موکلان هر محلــه باید پنج نماینده از میــان افراد امین و باتقوی و مشــتاق به کار را انتخــاب کند. از میــان فعالیت‌های شــورایاری‌های محلات تهران طرح‌هایی مورد توجه است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-طرح شهر سالم تهران در شهرک فاطمیه

۲- برنامه استراتژیک تهران

۳-طرح شورایاری محلات تهران

۴-طرح مدیریت محله

۵-تشکیل مجامع مشورتی در مناطق شهرداری تهران

لازم به ذکر است طرح‌های فوق از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ پیشنهاد و پیگیری شده است. در پایان با تأکید بر این نکته که انتخابات شورایاری‌ها که در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد با مشارکت حداکثری زنان و جوانان به‌عنــوان نیروهای بالقوه در تمام محلات نه تنها به پرشــدن اوقات فراغت آنــان می‌انجامد بلکه زمینــه آمــوزش و تمرین مشــارکت مدنی در ســطح مدیریت شــهری به صورت غیرمتمرکز را ایجاد می‌کند و با شور و اشتیاق بیشتری مشکلات محلات با دخالت مســتقیم مردم (موبوکراســی) قطعا به برون‌رفت از مشکلات کنونی شهری می‌انجامد.

حقوق پزشکی

خطای پزشکی

مهسا خوش‌اخلاق*

● خطای پزشــکی تمامــی نقایص رفتــار حرفه‌ای پزشکان است از جمله الف- قصور پزشکی: کوتاهی در رعایت استاندارد مراقبت‌های پزشکی و درمان. ب- ســوء رفتار حرفه‌ای با بیماران یا انجام اعمال خلاف عفت پزشــکی. برای تحقق قصور پزشکی وجود سه شرط الزامی است: ۱- پزشک وظیفه درمان را بر عهده گرفته باشد. ۲- در انجام این وظیفه تخطی کرده باشد ۳- تخطی، سبب آسیب جسمی یا روانی بیمار شود. در صورت اثبات قصور پزشــکی توســط بیمار پزشک مسئول بوده و باید خسارت وارده به بیمار را پرداخت کنــد. در ماده ۳۳۶ قانون مجازات اســلامی «تقصیر اعم اســت از بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی»؛ حال به بررسی هر یک از انواع قصور از دید پزشکی می‌پردازیم:

۱ـ بی‌مبالاتی: عبارت است از عدم انجام کار لازم، به دلیل غفلت و بی‌توجهی. مصادیق آن اعم است از عدم انجام تمهیدات لازم مانند آزمایش‌ها و مشاورات پزشکی و اخذ شرح حال و معاینه قبل از عمل جراحی یا اقدام درمانی، عدم ارجاع بیمار به پزشک متخصص. نکته مشترک در تمامی مثال‌های بالا ترک فعلی است که از نظر علمی و فنی پزشک موظف به انجام آن بوده ولی به دلیل غفلت و بی‌توجهی انجام نداده اســت.

۲- بی‌احتیاطی: انجام کاری که نباید انجام می‌شــده، ولی بــه دلیل بی‌توجهــی، بی‌قیدی، ســهل‌انگاری، اشتباه، زیاده‌روی یا بی‌دقتی صورت گرفته است. یکی از اساتید حقوق بی‌احتیاطی را خطایی می‌نامد که فرد مآل‌اندیش مرتکب آن نمی‌شــود. باقی‌ماندن وسایل جراحــی در داخل شــکم بیمار به دلیــل بی‌توجهی جــراح و کادر اتاق عمل، تجویــز دارو با دوز غلط به بیمار، تزریــق وریدی دارو به جای عضلانی توســط پرستار به علت سهل‌انگاری و بی‌توجهی به دستورات کتبی پزشک همگی از مصادیق بی‌احتیاطی هستند.

۳- عدم مهارت: شــامل مواردی است که پزشک تخصص لازم یــا تجربه عملی کافی یا احاطه علمی ضروری برای انجام اقدامات درمانی یا جراحی مورد نظر را نداشــته باشــد. عدم مهارت می‌تواند ناشی از تازه‌کاری، بی‌تجربگی، بی‌ســوادی و عدم برخورداری کافی از دانش پزشکی باشد. عدم به‌کارگیری تکنیک صحیح در جراحی و اســتفاده از تکنیک منسوخ‌شده جهت درمان بیمار، عدم توانایی در مقابله صحیح با عوارض احتمالی قابل پیش‌بینی در امر درمان (مانند شوک قلبی- تنفســی بیمار پس از تزریق پنیسیلین و عدم تبحر لازم پزشک برای انجام احیای تنفسی بیمار، در حالی که از هر پزشکی انتظار می‌رود انجام احیای پایه قلبی- ریوی را بداند)، انجــام اقداماتی خارج از حیطه تخصصی که منجر به عارضه و آســیب بیمار شود (مثلا انجام جراحی‌های تخصصی قلب و عروق توســط جراح عمومی) همگی از مصادیق قصور به علت عدم مهارت هستند.

۴- عــدم رعایت نظامات دولتــی: منظور تخلف از قوانیــن و مقــررات در امــور پزشــکی، مصوبات، بخشــنامه‌ها و آیین‌نامه‌هــای نظــام پزشــکی و دستورالعمل‌های وزارت بهداشت است. عدم پذیرش بیماران اورژانســی، تجویز داروهای ممنوعه، افشای اســرار بیماران (غیر از موارد مجــاز قانونی)، تحمیل مخارج غیرضروری به بیمار، ایجاد رعب و هراس در بیمار با تشــریح غیرواقعی وخامت بیماری، تبلیغات گمراه‌کننده در امور پزشکی، همگی از مصادیق قصور ناشی از عدم رعایت نظامات دولتی هستند که ممکن اســت علاوه بر محکومیت کیفری و جبران خسارت وارده منجر به محکومیت انتظامی پزشکان نیز بشود.

*پژوهشگر حقوق پزشکی

جدول ۳۴۴۲ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رهاشــده از تعلقات دنیــوی- برادر حضرت موسی(ع)- عدد بی‌اثر در ضرب ۲- بشقاب‌پرنده- کفــش علمــای دینــی- آفت‌ها ۳- محــل تولد- عفــت و پاکدامنــی ۴- هیــچ کاره- از رشــته‌های کشــتی- از تیم‌هــای فوتبــال باشــگاهی ایتالیــا ۵- ده‌هزار مترمربع- پایتخت اســپانیا- نفی عرب ۶- نشانه مفعولی- ورید- هر بخش یک مجموعه ۷- اما- مردم- ســقف دهان ۸- غریبه نیســت- مکان خطرناک- کشــک ۹- عیب و عار- سنجش- ســنگ قپان ۱۰- دمــای زیاد و ســوزاننده- حاصل تأثیر چند عامل- زندان مســعود ســعد ســلمان ۱۱- ضمیر سوم شخص- از خواهران برونته- توهین ۱۲- محلــی بــرای محافظت گیاهان- شــهری در استان کرمان- دشمن ۱۳- نمونه چاپی کامپیوتری- ریشــه بســیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی است ۱۴- رهرو- نویسنده مشهور ادبیات کلمبیا- سواره ۱۵- خط‌کش مهندســی- دوبیتی محلی- نظم و ترتیب.

عمودی:

۱- جانشــین او- نفر اول مســابقه- هشــتمین ماه میلادی ۲- شــهری در ژاپن- شــاد و بانشاط- حرف ندا ۳- دوســتی- ترمز کشتی- چاق و کوتاه ۴- منفعت- وســیع‌ترین قاره جهــان- همکاری ۵- کم‌پهنــا- شــاعر قصیده‌ســرای عهــد قاجــار ۶- تاکنــون- بیمــاری کم‌خونــی- هدایت‌کننــده ۷- دســتار- معروف‌تریــن تلســکوپ فضایــی- ضمیــر متصــل مفعولی ۸- فشــار بــرای راندن چیزی- از نام‌های بهشــت- راه شاعرانه ۹- اشاره به نزدیک- چوب‌دســتی- لقب وزیران دوره قاجار بود ۱۰- زحمتکش- از جنس آهن- روادید ۱۱- از پیامبران بنی‌اسرائیل- شهری در شهرستان نائین ۱۲- نیستی و عــدم- آویز جلوی پنجره- زمین ۱۳- فتنه‌ها- بر جای بزرگان نتوان زد به گــزاف- عرب‌ها ۱۴- بله آلمانی- لبه تیز شمشــیر- اتحادیه صنفــی ۱۵- پنهان‌کردن- مارشال و سیاست‌مدار قرن بیستم کنگو- مرغابی.

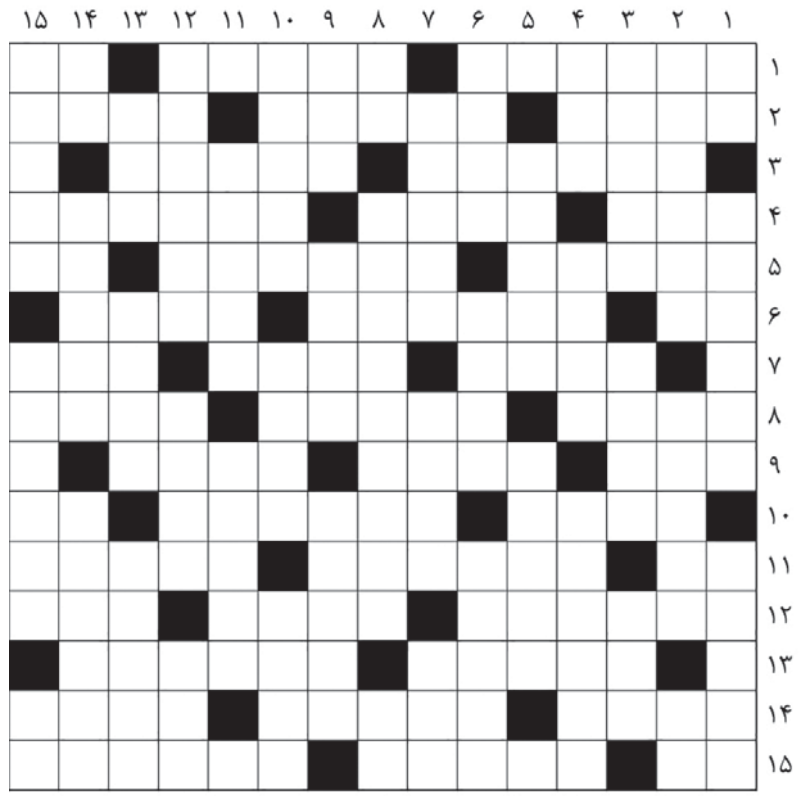

حل سودوکو سخت

۳	۹	۱	۵	۴	۶	۷	۲	۸
۶	۷	۵	۲	۹	۸	۱	۳	۴
۴	۸	۲	۷	۳	۱	۶	۹	۵
۲	۵	۴	۳	۷	۹	۸	۶	۱
۷	۱	۶	۸	۵	۲	۳	۴	۹
۸	۳	۹	۶	۱	۴	۲	۵	۷
۵	۴	۳	۱	۶	۷	۹	۸	۲
۹	۲	۷	۴	۸	۳	۵	۱	۶
۱	۶	۸	۹	۲	۵	۴	۷	۳

حل سودوکو ۲۴۳۷

۴	۱	۳	۵	۲	۷	۶	۸	۹
۶	۸	۲	۱	۴	۹	۷	۳	۵
۵	۹	۷	۶	۳	۸	۱	۴	۲
۱	۴	۶	۷	۹	۲	۸	۵	۳
۳	۲	۵	۴	۸	۶	۹	۱	۷
۸	۷	۹	۳	۱	۵	۴	۲	۶
۲	۵	۱	۹	۶	۴	۳	۷	۸
۷	۶	۴	۸	۵	۳	۲	۹	۱
۹	۳	۸	۲	۷	۱	۵	۶	۴

جدول ۳۴۴۱

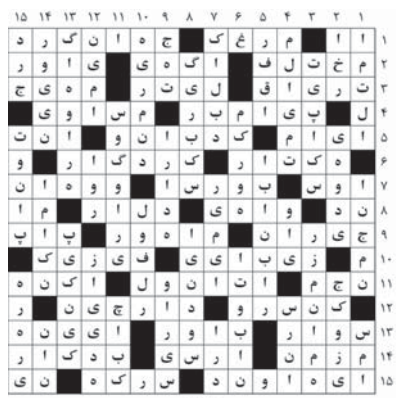

سودوکو سخت ۲۴۳۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶		۸				۷		
	۱		۴					
۳	۲		۹					۵
			۷		۱			۴
		۲	۶	۸	۵	۳		
۱			۳		۹			
۷					۴		۲	۳
					۶		۵	
		۵				۶		۷

سودوکو ساده ۲۴۳۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۳		۹	۴		۲		
		۶	۷		۳			۹
		۸	۲					
		۲						۳
۷								۱
۹						۵		
					۲	۴		
۶			۴		۱	۳		
		۹		۸	۵		۲	